گفت‌وگوی «جوان» با ۲ تن از همرزمان جانباز یحیی ابراهیمی که به تازگی به همرزمان شهیدش پیوسته است

می‌گفت شهادت مقام است نه عنوان و صفت

از چپ: جانباز ابراهیمی، شهید حمدگو و شهید کلوری - نیروهای اطلاعات عملیات لشکر ۱۰

■ علیرضا محمدی

شور و حال بچه‌های جنوب شهر در دوران انقلاب و دفاع مقدس چیزی نیست که بشود نظیرش را به این راحتی‌ها پیدا کرد. انقلاب را همین قشر مستضعف به پیروزی رسانده بودند و با شروع جنگ تحمیلی، خود آنها با جان و دل از انقلاب‌شان محافظت می‌کردند. مرحوم جانباز یحیی ابراهیمی یکی از همین قشر مستضعف بود که در جنوب تهران متولد شد. بعد از اینکه برادر بزرگ‌ترش طالب در ماه‌های ابتدایی دفاع مقدس در جبهه به شهادت رسید، خود یحیی به جبهه رفت و بارها از طریق لشکر ۲۷ و لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) به مناطق عملیاتی اعزام شد. سال‌ها جنگید و بارها مجروح شد و عاقبت اسفندماه سال گذشته به دوستان شهیدش پیوست. مرحوم ابراهیمی از مؤسسین پایگاه شهید عبدالهادی بود که در طول دفاع مقدس ده‌ها شهید و جانباز داده است. بسیجی‌های همین پایگاه نیز از ما درخواست کردند یادکردی از این بسیجی و پاسدار پیشکسوت دفاع مقدس داشته باشیم. گفت‌وگوی ما با دو تن از همرزمان جانباز ابراهیمی را پیش‌رو دارید.

پرویز خدابخش
همرزم شهید

آشنایی شما با جانباز ابراهیمی به چه زمانی بر می‌گردد؟

ما بچه یک محله در جنوب تهران بودیم. اوایل انقلاب اغلب بچه‌های محله جلیلی که یک منطقه مستضعف‌نشین بود، در بحث انقلاب و بعدها دفاع‌مقدس فعالیت زیادی داشتند. بچه‌های سن بالاتر این محله مثل شهید طالب ابراهیمی که اخوی بزرگ‌تر جانباز ابراهیمی بود، پیشکسوت‌های ما بودند. من و یحیی و چند نفر دیگر از بچه‌ها از بدو تشکیل بسیج در پایگاه‌های بسیج محلات، خصوصاً پایگاه بسیج شهید عبدالهادی که از قدیمی‌ترین پایگاه‌های بسیج منطقه است، با هم بیشتر آشنا شدیم و آنجا فعالیت می‌کردیم. سال‌ها ایشان عضو شورای فرماندهی پایگاه شهید عبدالهادی بود. پایگاهی که در دفاع مقدس بیش از ۶۰ رزمنده و ۲۰ شهید داد.

با شهید طالب ابراهیمی برادر بزرگ‌تر مرحوم ابراهیمی هم آشنایی داشتید؟

ایشان از ما چند سالی بزرگ‌تر بودند. من متولد سال ۴۴ هستم و یحیی متولد سال ۴۳ و همدوره بودیم، ولی طالب از ما بزرگ‌تر بود و با رفقای هم سن و سال خودش زودتر از ما بحث جهاد و جبهه را شروع کردند. طالب همان اولین روزها و ماه‌های شروع جنگ به جبهه رفت و به شهادت رسید. همرزمانش تعریف می‌کردند که وقتی در یک منطقه‌ای مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند، طالب مجروح می‌شود و امکان بازگشت نداشت. نیروهای خودی کمی عقب‌تر موضع می‌گیرند و همان جا می‌بینند که چطور یک تانک دشمن از روی پیکر طالب عبور می‌کند و راننده تانک چند بار وسیله‌اش را عقب و جلو می‌برد تا چیزی از پیکر نماند. همرزمان شهید طالب ابراهیمی می‌گفتند بعد از چند ماه که مجدداً توانستیم موضع قبلی را پس بگیریم، دیدیم هیچ اثری از پیکر طالب باقی نمانده است. به این ترتیب این شهید بزرگوار با وجود احراز شهادتش، مفقودالاثر ماند.

از روحیات جانباز ابراهیمی خیلی شنیده‌ایم، چه چیزی باعث می‌شود که این قدر بین بسیجی‌های منطقه‌شان محبوب باشند؟

ایشان یک بسیجی به تمام معنا بود. تواضع و اخلاص فوق‌العاده‌ای داشت. یک بچه بسیجی که روحیات رزمندگی‌اش را تا پایان عمر حفظ کرده بود. یحیی در اواخر دفاع‌مقدس به شدت مجروح شده بود. یک کلیه‌اش را درآورده بودند. حدود ۵۵ درصد جانبازی داشت، اما در عین حال مجروح شیمیایی هم بود. از حدود سه سال پیش که به سرطان حلق و حنجره مبتلا شد، خود من بارها به او اصرار کردم که دنبال جانبازی شیمیایی‌اش برود. یحیی بازنشسته سپاه بود. ما با دکترش و مسئولان مرتبط سازمان بسیج و سپاه و بیمارستان بقیه‌الله صحبت کردیم. دکترش می‌گفت که جانبازی ایشان باعث شده تا شیمی درمانی‌اش جواب ندهد. ما هر کاری کردیم یحیی را متقاعد کنیم دنبال مجروحیت شیمیایی‌اش بیفتد، قبول نکرد. گفتیم خود ما پیگیر می‌شویم تو فقط همراهی کن، اما قبول نکرد. اگر درصدش از ۵۵ درصد به ۷۰ درصد می‌رسید، ایشان را شهید محسوب می‌کردند، اما گفت شهادت یک مقام است نه یک صفت که قبل از اسم آدم بیاید.

همین ۵۵ درصد جانبازی را هم نباید پیگیری می‌کردم! کاری را که آدم برای خدا انجام می‌دهد، نیاز به درصد و این چیزها ندارد.

چقدر سابقه حضور در جبهه داشتند؟

مرحوم ابراهیمی که من قلباً او را شهید می‌دانم، چندین سال در جبهه‌های دفاع‌مقدس حضور یافته بود. اوایل به عنوان بسیجی به جبهه رفت و بعد که پاسدار شد تا پایان دفاع‌مقدس در جبهه حضور داشت. اواخر هم که از بچه‌های اطلاعات- عملیات بود. بعد از پایان دفاع‌مقدس ایشان ارتباطش را با بسیج و خانواده شهدا حفظ کرده بود.

جانباز یحیی ابراهیمی

دکتر عباس عبدالهی
همرزم شهید

پیش آمده بود که با جانباز ابراهیمی به جبهه بروید؟

من زودتر از یحیی به جبهه رفتم. سال ۶۰ اعزام شدم و ایشان سال ۶۱ به عضویت سپاه درآمد. در عملیات رمضان که هر دو در جبهه بودیم، من بسیجی یکی از گروهان‌های گردان حبیب از تیپ ۲۷ بودم و یحیی هم رزمنده پاسدار همان گروهان بود. یک جا بودیم و روز عملیات با هم وارد منطقه جفیر شدیم. در این منطقه همان خاکریزهای معروف مثلثی دشمن قرار داشتند. یادم است شب عملیات پیاده به منطقه رفتیم و وقتی مستقر شدیم، از من و یحیی و چند نفر دیگر خواستند تا به نقطه‌ای برویم و در حفره روباه‌هایی که کنده شده بود، موضع بگیریم. درگیری‌ها تا چهار صبح ادامه داشت. من و یحیی آن روزها ۱۸- ۱۷ سالمان بود. سن کمی داشتیم و از فرط خستگی دم‌دم‌های صبح خواب‌مان برد. خورشید که بالا آمد از گرمای هوا یحیی از خواب بیدار شد و من را هم بیدار کرد و گفت انگار کل گردان عقب‌نشینی کرده‌اند و من و تو جامانده‌ایم! به اطراف که نگاه کردم هیچ کسی جز ما نبود. از حفره‌ها خارج شدیم و سریع به طرف خط خودی به راه افتادیم. نیروهای ما چند کیلومتر عقب‌نشینی کرده بودند. خواست خدا بود که به اسارت دشمن درنیامدیم و بعد از چند ساعت پیاده‌روی به خط خودی رسیدیم.

بعد از عملیات رمضان باز هم با هم در جبهه بودید؟

هر دو در جبهه بودیم، اما اینکه با هم یک جا باشیم خیر. مثلاً در عملیات بعدی من زرهی بودم ایشان پیاده بود یا یک مقعطی ایشان به اطلاعات عملیات رفت من در زرهی بودم و همین طور در واحدهای مختلف بودیم. اواخر جنگ هم که یحیی به شدت مجروح شد و پزشکان یکی از کلیه‌ها و طحالش را خارج کرده بودند. بعد از آن حضور یحیی در جبهه کمرنگ‌تر شد. چون شرایط جسمی‌اش اجازه نمی‌داد که مثل قبل در جبهه باشد. بعد از پایان دفاع‌مقدس هم ایشان در رشته اعضای مصنوعی (جزو گروه پزشکی) در دانشگاه ایران قبول شد و من هم در رشته پزشکی قبول شدم. بعدها در بسیج جامعه پزشکی و سازمان بسیج با هم بودیم و ارتباط‌مان را با یکدیگر حفظ کردیم.

جانباز ابراهیمی بعد از دفاع مقدس چه فعالیت‌هایی انجام می‌دادند؟

عرض کردم که ایشان از اعضای فعال بسیج جامعه پزشکی بودند. در آنجا با یک تیمی روی موضوع جبهه مقاومت و مجاهدین بدون مرز کار می‌کردند و از جانبازها و مجروحین جبهه مقاومت دعوت می‌کردند و در داخل کشور آنها را درمان می‌کردند. همین طور ایشان در بسیج و فعالیت‌های این شکلی کار می‌کردند و بعدها هم که از سپاه بازنشسته شدند، شرایط جسمی‌شان اجازه نمی‌داد خیلی از کارها را انجام بدهند.

> در پایگاه بسیج با جانباز ابراهیمی آشنا شدم. ایشان سال‌ها عضو شورای فرماندهی پایگاه شهید عبدالهادی در یکی از محلات جنوب تهران بود. پایگاهی که در دفاع مقدس بیش از ۶۰ رزمنده و بیش از ۲۰ شهید دارد و الان هم از پایگاه‌های فعال منطقه است

> یحیی چون درد محرومیت کشیده بود، با اشتیاق خاصی در جبهه‌ها حضور می‌یافت و از کشور و نظام اسلامی دفاع می‌کرد. برادرشان طالب هم که از رزمنده‌های پیشکسوت بودند و قبل از ما به جبهه رفتند، همان اوایل دفاع مقدس به شهادت رسیدند

جانباز ابراهیمی در چه خانواده‌ای رشد کرده بود؟

محله‌ای که ما در آن به دنیا آمده و رشد کرده بودیم، از مناطق مستضعف‌نشین جنوب تهران است. پدر من یک مغازه‌ای داشت و ما تا حدی وضع مالی معمولی داشتیم، اما آقا یحیی در یک خانواده واقعاً مستضعف اما مذهبی و معتقد رشد کرده بود. اغلب بچه‌های انقلاب و دفاع مقدس هم از همین خانواده‌های مستضعف بودند. یحیی چون درد مجرومیت کشیده بود، با اشتیاق خاصی در جبهه‌ها حضور می‌یافت و از کشور و نظام اسلامی دفاع می‌کرد. برادرشان طالب هم که از رزمنده‌های پیشکسوت بودند و قبل از ما به جبهه رفتند، همان اوایل دفاع مقدس به شهادت رسیدند.

روحیات مرحوم ابراهیمی چطور بود که اینقدر در بین بسیجی‌های محله‌شان محبوبیت دارند؟

نمی‌خواهم اغراق کنم اما اگر به من بگویند فقط می‌توانی یک نفر را در تمام زندگی‌ات اسم ببری که انسان کامل و کاملاً سالم زندگی کرده باشد، من اسم یحیی را می‌برم. آدم‌های خوب زیاد هستند، اما قرار باشد یک نفر را انتخاب کنم، من او را انتخاب می‌کنم. به خودش هم این موضوع را گفته بودم. از نظر ایمان، صداقت، سلامت، اخلاص و هر چیزی که بتوان در مورد آدم‌های خوب نام برد، ایشان از آن صفت‌ها برخوردار بودند. نمی‌دانم شاید خدا آدم‌هایی مثل یحیی را سفارشی خلق کرده است! اینها همان رزمنده‌های با صفا و با حالی هستند که در دوران دفاع مقدس دیدیم و الان وجود این آدم‌ها کمیاب شده است.

پس روحیات رزمندگی را تا پایان عمر حفظ کرده بودند؟

حتماً آقای خدابخشی گفته‌اند که یحیی اصلاً دنبال درصد و این چیزها نبود. اواخر عمرش اگرچه می‌دانست از بیماری‌اش نجات پیدا نخواهد کرد، باز هم قبول نکرد که دنبال درصد جانبازی‌اش برود. من خودم پزشک هستم و سال‌ها در کمیسیون پزشکی حضور داشتم و با جانبازها و مجروحین جنگ ارتباط داشتم. سرطان حلق و دهان که یحیی هم به آن مبتلا شده بود، بیشتر برای آدم‌هایی است که سیگار یا مواد مخدر می‌کشند. اما یحیی در طول عمرش لب به سیگار نزده بود. با تجربیاتی که داشتم به او گفتم تو قطعاً از عوارض جانبازی شیمیایی‌ات به این بیماری دچار شده‌ای. باید دنبال درصدت بروی، اما با اخلاص تمام می‌گفت، من با خدا معامله کرده‌ام و اگر قرار باشد پاداش و مزدی به من بدهند، از او می‌گیرم.

نگاه

اهمیت عملیات محدود «فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا» در تاریخ دفاع مقدس چیست؟

آغاز دوره‌ای تازه در مدیریت جنگ

■ آرمان شریف

معمولاً در تاریخ دفاع مقدس از اهمیت عملیات‌های بزرگ صحبت به میان می‌آید و کمتر به عملیات محدود پرداخته می‌شود. در میان عملیات بزرگی که رزمندگان هر سال انجام می‌دادند، عملیات‌های دیگری بودند که در افزایش روحیه و اعتماد به نفس نیروها در جبهه تأثیر بسزایی داشتند.

■ **شرایط پیچیده سیاسی**

عملیات «فرماندهی کل قوا، خمینی روح خدا» یا حماسه دارخوین یکی از همین عملیات محدودی است که در شرایط سخت و پیچیده‌ای انجام شد و تأثیرات مهمی را در جبهه‌ها گذاشت. رزمندگان این عملیات را در خرداد سال ۱۳۶۰ و در شرایط پیچیده سیاسی کشور انجام دادند و برخلاف پیش‌بینی‌ها و انتظار دشمنان، عملیات را با موفقیت اجرا کردند.

سال ۱۳۶۰ سال مهمی برای صحنه سیاسی کشور و وضعیت رزمندگان در جبهه‌ها به شمار می‌رفت. در خرداد ۱۳۶۰، حدود ۹ ماه از شروع جنگ تحمیلی می‌گذشت و کارها و اقدامات ابوالحسن بنی‌صدر در مقام رئیس‌جمهور، نیروهای نظامی را دچار اصطکاک و چند دستگی کرده بود.

حمایت نکردن از نیروهای مردمی و سپاهی و جدا کردن قوای ارتشی از نیروهای مردمی، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های رزمندگان با بنی‌صدر در ماه‌های آغازین دفاع مقدس بود. بنی‌صدر اعتقادی به نیروهای مردمی نداشت و تأکید زیادی بر جنگ کلاسیک با استفاده از ارتش داشت؛ همین نظر باعث شده بود تا بخش اعظمی از توان رزمندگان در جبهه‌ها نادیده گرفته شود.

■ **خبری مهم به سود جبهه‌ها**

درست چند ساعت قبل از عملیات دارخوین خبر برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا توسط امام خمینی منتشر شد. با توجه به این خبر و برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل‌قوا بسیاری از تحلیلگران انتظار داشتند عزل بنی‌صدر تأثیر زیادی بر جبهه‌ها بگذارد. چراکه قاعدتاً اعلام خبر برکناری فرمانده کل قوا می‌توانست شوک بزرگی به جبهه‌ها وارد کند و نبود او، سازماندهی و عملکرد نیروها را با مشکل مواجه سازد.

اما درست در چنین شرایطی رزمندگان در ۲۱ خرداد ۱۳۶۰، عملیات «فرماندهی کل قوا، خمینی روح خدا» را در منطقه دارخوین انجام دادند. هدف این عملیات، تصرف خاکریزهای دشمن و سه کیلومتر پیشروی به سمت جنوب (به طرف پل مارد) بود. برخلاف انتظار، نیروهای ارتش و سپاه پاسداران هماهنگی خوبی برای عملیات داشتند و پدافند ارتش، پشتیبانی‌های لازم را از نیروها به عمل آورد.

■ **دوران اتحاد در جبهه‌ها**

بنی‌صدر و برخی از تحلیلگران تصور می‌کردند که نیروهای ایرانی تنها با حضور بنی‌صدر در سمت فرماندهی کل‌قوا قادر به ادامه و مهار جنگ و به کارگیری نیروهای نظامی هستند و بدون او جبهه‌ها با مشکل مواجه خواهد شد. اما پیروزی در عملیات فرمانده کل‌قوا خمینی روح خدا آن تصورات را در هم شکست و امکان عبور از مرحله بحران سیاسی با این پیروزی نظامی فراهم شد.

رزمندگان با درایت و بصیرت‌شان، چند ساعت قبل از شروع عملیات دارخوین، نام این عملیات را به «فرماندهی کل قوا، خمینی روح خدا» تغییر دادند و موفقیتی بزرگ و تاریخی کسب کردند.

حماسه دارخوین با اینکه در مقایسه با عملیات وسیع پس از آن، چندان گسترده نبود، اما ویژگی ارزشمند خاصی داشت. مهم‌ترین ویژگی آن در این است که نقطه پایان یک دوره رکود و زمین‌گیری و نقطه آغاز حرکت و پیروزی‌های بزرگ و حماسی نیروهای خودی در جبهه‌ها بود. همچنین پس از فرار بنی‌صدر، دوران اتحاد سپاه و ارتش در جبهه‌ها آغاز شد و پیروزی‌های بزرگی را در عملیاتی چون ثامن‌الائمه و شکست حصرآبادان، طریق‌القدس، فتح‌المبین و الی‌بیت‌المقدس رقم زد.

> حماسه دارخوین با اینکه در مقایسه با عملیات وسیع پس از آن، چندان گسترده نبود، اما ویژگی‌های ارزشمندی داشت. مهم‌ترین ویژگی آن در این است که نقطه پایان یک دوره رکود و زمین‌گیری و نقطه آغاز حرکت و پیروزی‌های بزرگ و حماسی نیروهای خودی در جبهه‌ها بود

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۰۵

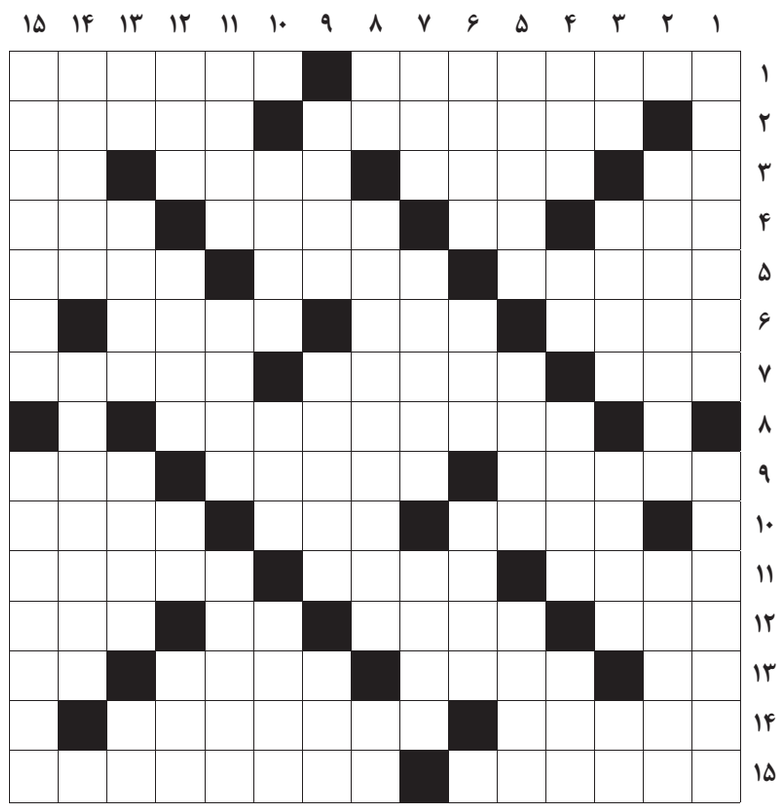

از راست به چپ

■ ۱- شاهکار سروانتس، نویسنده اسپانیایی- از جمهوری‌های روسیه ■ ۲- ترک دنیا- خرید و فروش ■ ۳- چسبنده- جوش چرکین- از مواد لبنی پرمصرف- کلمه شگفتی ■ ۴- ترس- دشنام- رشته کوه افغانستان- نوعی بازی ماروپله ■ ۵- ورقه پیشگویان- از اجزای لباس- زینت مساجد ■ ۶- خبرگزاری ایتالیا- ناسیونال- ستاره ■ ۷- رسول- پدرش بسوزد- مرغ کوه قاف ■ ۸- ستاره‌شناسی ■ ۹- خریدار- حق‌الشرب- مقابل و پیش ■ ۱۰- جایی که آب است دیگر جایز نیست- صفحه نقاشی- روز نسیه ■ ۱۱- خدای هندو- بازدارنده- گویی ■ ۱۲- بلدالامین- کلمه ضرورت- مایه حیات- دریایی در غرب عربستان ■ ۱۳- رها- گرفتگی زبان- یاخته- از اقمار مشتری ■ ۱۴- سخنان بیهوده- خاک چینی ■ ۱۵- بیماری آب سیاه- سد روی رود ارس

از بالا به پایین

■ ۱- مدعی‌العموم- خزنده خانگی ■ ۲- مهاجم تیم ملی فوتبال ایران- نوعی گرد برای نقاشی ■ ۳- جفت ماده- تشکر فرانسوی- باقی‌مانده حساب- شایعه ■ ۴- روستایی در قم- گشاده- نژاد ما- درخت غوره ■ ۵- خشکی- باد ملایم- حصار ■ ۶- سبیل- وقت و زمان معین- زمان مرگ ■ ۷- میدانی در تهران- محبوب و معشوق- کلمه‌ای که دو بار در سوره حمد تکرار شده است ■ ۸- حرف صلیب- دستگیری و بازداشت- برادر عرب ■ ۹- کامل شدن- چشمه- آقا و سرور ■ ۱۰- بزرگی- خیال- صبر زرد ■ ۱۱- قانون مغول- اسامی- ویروس آفریقایی ■ ۱۲- نفوذ تدریجی آب- پدیدار- تکنیک- پوست درخت خرما ■ ۱۳- نام قدیم یزد- رودی در تایلند- گل چشم!- جنس به ظاهر قوی ■ ۱۴- شهری در ایتالیا- از ویژگی‌های دوست خوب ■ ۱۵- مهم‌ترین مرکز زیارتی شیراز- از مناطق جنگی دوران دفاع مقدس در جنوب

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۳				۶	۸		
						۹		
	۶				۱	۲		
۲		۵		۷				
۷				۱	۸		۵	
۱							۸	
		۷	۱					
		۸					۴	۹
			۳		۵			۶

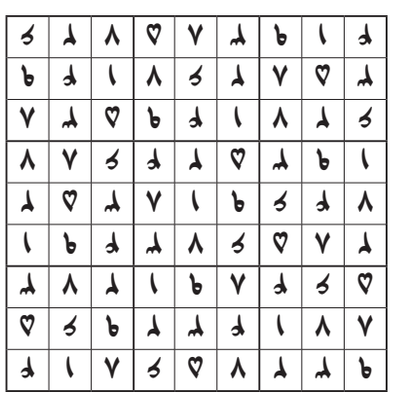

جدول کلمات متقاطع
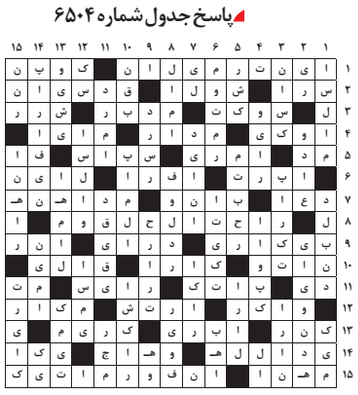
پاسخ جدول شماره ۶۵۰۴